**انترناسیونال ۷۰۱**

**جمهوری اسلامی و کنفرانس امنیتی مونیخ**

**گفتگو با سیامک بهاری**

**انترناسیونال: امسال کنفرانس امنیتی مونیخ از ۱۷ فوریه بمدت سه روز ادامه داشت، کلا این چه نوع کنفرانسی است؟ چرا کنفرانس امنیتی نام گرفته است؟**

**سیامک بهاری:** این پنجاه و سومین کنفرانس‌ امنیتی است که به سیاق هر ساله در مونیخ در هتل "بایریشر هوف" بمدت سه روز برگزار ‌گردید. از سال ۱۹۶۳ تا به حال بیش از نیم قرن است که سران کشورها، وزرا و شخصیت‌های عمدتا نظامی و امنیتی، را از سراسر جهان گرد‌ می‌آورند و راجع به چالش‌ها و حوادثی که به اصطلاح "امنیت" جهان را به خطر می‌اندازد بحث و گفتگو می‌کنند. امسال هم حدود سی رئیس دولت و هشتاد وزیر و شخصیت نظامی و امنیتی در این کنفرانس شرکت کردند.

بدیهی است که این قبیل کنفرانس‌ها نه توان تأثیر‌گذاری ویژه‌ای بر امنیت جهانی دارد و نه عملا سیر و جهت وقایع سیاسی را می‌تواند دگرگون کند. سران کشورهایی که خود عامل ناامنی و فجایع بیشمار علیه میلیونها انسان در کره زمین هستند، مقابل هم شاخ و شانه می‌کشند و طول و عرض "امنیتی" منافع دولت متبوعشان را متر می‌کنند.

جنگ، آوارگی و تروریسم، استراتژی و بخش ثابت برنامه سیاسی اکثریت قریب به اتفاق سران کشورهای شرکت کننده است که به فراخور قدرت و توان نظامی، اقتصادی و سیاسی خود، در بلوک‌بندیها و رقابت‌ها، و زد و بندهای بین‌المللی و منطقه‌ای عامل و مسبب ناامنی وبی ثباتی و کشمکش در کل جهان‌اند. از رئیس کنفرانس تا بسیاری از سران کشورها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به ابهامات عمیق امنیتی در جهان اذعان داشتند.

طرح منازعات جهانی، بویژه در کنفرانس اخیر به روشنی بن بست سیاسی کل جهان سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. بلوک‌بندی‌‌های سیاسی و نظامی مداوما در حال تغییر است در حالیکه هر روز بر ابعاد خانه‌خرابی و مصائب بشر معاصر افزوده می‌شود. جنگ و ویرانی، نه فقط در ابعاد نظامی بلکه در فلاکت اقتصادی و بحران‌‌های اجتماعی و اقتصادی گریبان میلیاردها انسان را گرفته است و هر روز وضع بحرانی‌تر از پیش و حتی از کنترل مسببین آن خارج می‌شود. امنیت در این کنفرانس‌ها، دقیقا امنیت منافع حکومت‌ها و دامنه قدرت رقابت جهانی و یا منطقه‌ای آنهاست.

در نظر بگیرید، وقتی ثروت هشتاد و اندی بیلیونر در جهان برابر کل ثروت بیش از نیمی از ساکنین کره زمین است و صاحبان زرادخانه‌های عظیم نظامی آتش جنگ را در چهار گوشه جهان شعله ور‌ می‌کنند و توحش افسار گسیخته داعش، طالبان، حزب‌الله، القاعده، بوکو حرام، حشدالشعبی، حماس، سپاه پاسداران و ماشین جنگی ناتو و روسیه زندگی کل بشریت را به کام نابودی می‌برد، صحبت سران دولتها از امنیت فقط می‌تواند مزاحی مشمئز کننده باشد.

اگر قرار بر تأمین امنیت در جهان و سعادت ساکنین کره زمین است. همه این رؤسای سیاستمدار به ظاهر محترم، که هر کدام صحنه گردان یک تراژدی عظیم اجتماعی و سیاسی هستند را باید تمام و کمال خلع‌ید کرد، از قدرت پایین کشید و از صحنه سیاسی جهان بیرون گذاشت تا بشریت بتواند نفس بکشد و امنیت را به معنای انسانی آن تجربه کند. این حکومت‌ها، خود مانع اصلی و اساسی و سد راه امنیت در جهان‌اند.

**انترناسیونال:** **کنفرانس شاهد حمله بسیاری از شرکت کنندگان به جمهوری اسلامی بود. بنظر می‌رسد ائتلاف‌های جدیدی در منطقه خاورمیانه در حال شکل گرفتن است و جمهوری اسلامی تحت فشارهای شدیدی در منطقه قرار دارد. نظر شما در این باره چیست؟**

**سیامک بهاری:** در بیش از یک دهه اخیر کشمکش با جمهوری اسلامی ایران، موضوع همیشگی این کنفرانس بوده است. حکومت اسلامی ایران، یک سر دعوای تروریسم سازمان یافته دولتی در خاورمیانه و نیز پروژه هسته‌ای، در کشمکش و رقابت با بلوک‌‌بندی منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این امری است که جمهوری اسلامی نه تنها از آن روی‌گردان نیست، که به نحوی استقبال هم می‌کند که در منازعات بویژه منطقه یک طرف دعوا باشد. کلا منازعات خاورمیانه یک پای ثابت موضوعات کنفرانس امنیتی مونیخ بوده و هست.

در کنفرانس اخیر هم به همین منوال، جمهوری اسلامی این بار نه بخاطر مسایل هسته‌ای بلکه بدلیل ادامه سیاست جنگ افروزی و گسترش مداوم تروریسم اسلامی، افروختن آتش جنگهای قومی و مذهبی، دخالت مستقیم در ایجاد ارتش شیعه درمقابل قبایل سنی مذهب در عراق، به اشکال مختلف مورد حمله رقبای خود بود. جمهوری اسلامی مهمترین پایگاه اسلام سیاسی در منطقه است. این موقعیتی است که جمهوری اسلامی سالها برای ایجادش به قمیت فلاکت عمومی میلیونها مردم ایران، تلاش و بند و بست کرده است. حمایت بیدریغ از توحش افسارگسیخته تروریسم اسلامی بخش جدایی ناپذیر این سیاست است. این بخشی از سناریوی انزوای جمهوری اسلامی نیز هست. این باتلاق کشنده‌ای است که جمهوری اسلامی در ‌آن گیر کرده است، پذیرش شکست و هزیمت در ماجراجویی هسته‌‌ای، موقعیت ضعیف و شکننده اقتصادی در بازار جهانی، علیرغم توافقات پس از برجام، تغییر و تحولات ژئوپولتیک منطقه، تغییر روی‌‌کرد سیاست‌های بویژه منطقه‌ای امریکا پس از بر سر کار آمدن ترامپ، بهبود نسبی روابط سرد واشنگتن و مسکو، زیکزاکهای یک در میان اردوغان در سیاست خارجی ترکیه، تغییر ترکیب ائتلاف عربی در جنگ یمن و دهها فاکتور ریز و درشت دیگر در منطقه همهٔ رشته‌های انس و الفتی که جمهوری اسلامی با ترکیه و روسیه و حتی عراق بسته بود را دچار تردید و گسست کرده است.

جمهوری اسلامی با تنها برگ بازی‌، یعنی تلاش برای ماندگاری رژیم اسد در سوریه، با اتکا به هم‌پیمانی با روسیه، خود را در صحنه نگه داشته است! گسترش دامنه جنگ نیابتی در منطقه، سیاستی آشکارا تروریستی که جمهوری اسلامی را عمیقا دچار سیاست جنگی غیر رسمی در داخل کرده است.

تغییر مواضع سیاسی اردوغان در نزدیکی به روسیه، قدرت‌طلبی آشکار در سوریه و تصرف بخشی از خاک سوریه و گشودن جبهه‌ جنگی علیه اسد و جمهوری اسلامی، اگرچه کاملا محتمل بود، اما جمهوری اسلامی ناچارا بر سر این اسب بازنده هم شرط‌‌‌‌ بندی کلانی کرد، به امید اینکه ترکیه را از امریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش، بویژه عربستان و اسرائیل دور کند و بلوک‌بندی جدیدی در موازنه قدرت به نفع خود ایجاد کند. این سیاست اکنون بکلی دود شده و به هوا رفته است! دامنه پرتاب ترکش‌های این شکست و ناکامی، به کنفرانس مونیخ هم رسید و در سخنرانی نماینده عربستان و وزیر امور خارجه ترکیه علیه حکومت ایران، در روز آخر، در برابر چشم جهانیان، به سر و صورت جمهوری اسلامی خورد!

خاورمیانه دستخوش تحولات بشدت تکان دهنده‌‌ای است و جمهوری اسلامی بعنوان بازی‌گر بازنده، تلاش دارد تا باخت‌‌های مکرر خود را با نمایش قدر قدرتی از یکطرف و سازش و مدارای دیپلماتیک با رقبای خود بپوشاند!

حمایت از بشارالاسد در سوریه به حمایت آشکارتری از دستجات مسلح شیعه درعراق، تغییر روند سیاسی با حکومت اقلیم کردستان، تند کردن آتش جنگ در یمن پیوند زده خواهد شد. این عملا گودی باتلاق زیر پای جمهوری اسلامی را عمیق‌تر از آنچه هست خواهد کرد. درعین حال فاکتور تعیین کننده در این کارزار، رو در وریی جمهوری اسلامی با مردم ایران است!

**انترناسیونال: تاکید بر تأثیر مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی کردید، همین موضوع را بیشتر باز کنید.**

**سیامک بهاری:** جمهوری اسلامی در لبه پرتگاه است! جناح‌های حکومتی از همه بهتر بر این امر واقفند. گسست و شکاف در بالای حکومت به همین علت عمیق‌تر از هر وقت دیگر خودنمایی می‌کند! هیچ روزنی از گشایش اقتصادی، کاهش رکود تورمی در زندگی مردم دیده نمی‌شود. اقتصادی که قرار بود صد روزه سر و سامان بیابد، صد سال دیگر هم ترمیم نخواهد شد. دستگاه حکومتی، عقب نشینی از سیاست‌های تاکنونی را در توافقات هسته‌ای و برجام مزه کرده‌ است. دستش از اسلحه اتمی قطع شده است، مانند ششلول بند ناشی، دست روی ماشه تسلیحات موشکی می‌گذارد تا قدر قدرت جلوه کند!

در مقابل تجمعات اعتراضی اقشار مردم، از کارگر و کارمند و بازنشسته و مال‌باخته و ... دارد به یک مطالبه عمومی و روند روزانه مردم عاصی بدل می‌شود! شکل سازمان یافته‌تری بخود می‌گیرد و سراسری تر به میدان می‌آید! جمهوری اسلامی با شورش عمومی روبروست!

وضعیت همین دو هفته گذشته در خوزستان بخوبی نشان داد که چگونه مردم مسببین فجایع بیشمار تحیمل شده بر جامعه را می‌شناسند و راههای مقابله با‌‌‌‌ آنرا می‌آموزند. صحنه سیاسی ایران شاهد رشد آگاهی و حضور بیشتر اعتراضات اجتماعی است.

میدان تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی میدان رو در رویی مردم با حکومت است! جمهوری اسلامی با همه رقبا و دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی خود حاضر است کنار بیاید، اما عقب نشینی در مقابل مردم همان پرتگاه بی انتهایی است که در آن سقوط خواهد کرد. هر اندازه که این حضور اعتراضی عرصه را به جمهوری اسلامی تنگ‌تر کند، عقب نشینی بیشتری را در سیاست‌ خارجی به حکومت تحمیل خواهد کرد.

مردم نان و کرامت انسانی می‌خواهند و این با ماشین جنگی و سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در تضاد است. تحمیل ریاضت اقتصادی از این بیشتر ممکن نیست! باج و خراج جنگی سپاه پاسداران و حزب‌آلله لبنان و حوثی یمن و حشدالشعبی در عراق و جبهه جهاد اسلامی فلسطین و خیل سازمانهای تروریستی اسلامی را دارند از سفره خالی مردمی که به زیر خط فقر رانده شده‌اند می‌پردازند. سرنگونی جمهوری اسلامی پایان همه این تبهکاری باندهای حکومتی خواهد بود. شعار مطالباتی مردم در مقابل ماجراجویی جنگی جمهوری اسلامی، بسیار و شفاف و صریح است! "سوریه رو ولش کن، فکری به حال ما کن" نمونه‌ای واضح از بی ربطی سیاست‌های نظامی و تروریستی جمهوری اسلامی با منافع اکثریت مردم ایران است. تلاش بی وقفه جمهوری اسلامی برای سرکوب و ایجاد جوّ ارعاب و وحشت با سد مبارزاتی مردم روبرو شده است. گسترش دامنه اعتراضات بخوبی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی قادر به خاموش‌کردن اعتراضات جامعه نیست.

سیاست جنگی و ماجراجویی نظامی جمهوری اسلامی شکست نهایی را در میدان مبارزات مردم ایران بزودی تجربه خواهد کرد! جمهوری اسلامی با هر تقلا و با هر درجه از حدادی ماشین جنگی‌‌اش بیشتر در مقابل مطالبات به حق مردم قرار می‌گیرد. خیزش سراسری مردم بیشتر از هر موقع خود را دارد نشان می‌دهد.